

Sociological research of social apathy in Tehran

Marzieh Mousavi Khamene¹, Matin Ramezankhah²

1. Associate Professor, Faculty of Social and Economic Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran, E-mail: moosavimar@gmail.com
2. Master of Research in Social Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran, E-mail: ramezankhah@gmail.com

Abstract

Social apathy is considered one of the most significant consequences of the modern lifeworld, with its major outcomes being the decline of social belonging and solidarity, alongside the rise of selfishness and excessive individualism. In this study, social apathy is defined and analyzed in two dimensions: behavioral apathy and emotional apathy. For behavioral apathy, Seeman's theory was applied, while for emotional apathy, Southwell's framework was utilized. Behavioral apathy was examined in relation to the level of participation and engagement, whereas emotional apathy was analyzed through the lenses of powerlessness and meaninglessness. Furthermore, the influential characteristics were conceptualized based on Amartya Sen's five dimensions: personal heterogeneities, environmental diversities, variations in social conditions, differences in relational perspectives, and intra-household distribution, and their relationship with social apathy was assessed.

The research employed a quantitative survey method using a structured questionnaire. District 3 was selected as a representative of advantaged areas, District 11 as semi-advantaged, and District 18 as disadvantaged. The total sample size, calculated using Cochran's formula and based on the population aged 20 years and older in Tehran, was 240 respondents. Data related to the concept of social apathy indicate that the overall mean level of apathy in society is moderate (4 out of 10). However, behavioral apathy was found to be above 5, while emotional apathy was around 4. Moreover, no significant relationship was found between social apathy and variables such as marital status, gender, age, or communication expenses. Conversely, income level and duration of residence in Tehran and the neighborhood showed a positive relationship with apathy, whereas education level, place of birth, and neighborhood stability were negatively associated with social apathy.

Key words: Apathy, Society, Tehran City, Individualism, Participation.

مطالعه جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی^۳ اجتماعی در تهران

مرضیه موسوی خامنه^۴، متین رمضانخواه^۵

۲. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. رایانامه: moosavimar@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. رایانامه: ramezankhah@gmail.com

چکیده:

بی‌تفاوتی اجتماعی را یکی از مهم‌ترین پیامدهای زیست جهان مدرن و مهم‌ترین عوارض آن را کاهش حس تعلق و هم‌بختی و افزایش خودخواهی و فردگرایی افراطی می‌دانند. در این تحقیق بی‌تفاوتی اجتماعی را در دو بعد بی‌تفاوتی رفتاری و بی‌تفاوتی عاطفی تعریف و تحلیل کرده‌ایم. در بی‌تفاوتی رفتاری از نظریه سیمن و در بی‌تفاوتی عاطفی از نظریه ساث ول بهره گرفته‌ایم. بی‌تفاوتی رفتاری، با سطح مشارکت و درگیری و بی‌تفاوتی عاطفی با سطح بی‌قدرتی و بی‌معنایی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین خصوصیات موثر را بر مبنای نظر آماریاسن در پنج بعد ناهمگنی‌های شخصی، گوناگونی‌های محیطی، تنوع شرایط اجتماعی، تفاوت دیدگاه‌های ارتباطی و توزیع درون خانواده تعریف کرده و رابطه‌ی آن‌ها با بی‌تفاوتی اجتماعی را سنجیده‌ایم.

پژوهش با روش کمی پیمایش و استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده‌است. در این پژوهش منطقه ۳ به عنوان نماینده منطقه برخوردار، منطقه ۱۱ نماینده منطقه نیمه‌برخوردار و منطقه ۱۸ نماینده منطقه غیربرخوردار مورد مطالعه قرار گرفته است. تعداد کل نمونه براساس جمعیت ۲۰ سال به بالای شهر تهران و بر مبنای فرمول کوکران برابر با ۲۴۰ نفر محاسبه شد. داده‌های مربوط به مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی نشان می‌دهد که میانگین بی‌تفاوتی در جامعه در حد متوسط (۴ از ۱۰) است، البته میزان بی‌تفاوتی رفتاری بالاتر از ۵ و میزان بی‌تفاوتی عاطفی حدود ۴ است. همچنین رابطه‌ی تاهل، جنس، سن و هزینه ارتباطی با بی‌تفاوتی اجتماعی تأیید نشد. اما میزان درآمد و مدت اقامت در شهر تهران و محله دارای رابطه مثبت با بی‌تفاوتی هستند. تحصیلات، محل تولد و ثبات محله‌ای نیز دارای رابطه معکوس با بی‌تفاوتی اجتماعی هستند.

کلمات کلیدی: بی‌تفاوتی، جامعه، شهر تهران، فردگرایی، مشارکت.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

بی‌تفاوتی اجتماعی^۶ از جمله پدیده‌های قابل مشاهده در جوامع معاصر است. با گذار جوامع از الگوهای سنتی زیست اجتماعی به شبکه‌های مدرن، پیوندهای جمع‌گرایانه و شبکه‌های حمایتی به تدریج تضعیف شده‌اند (بهشتی و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۱). مطالعات متعدد در سطح جهانی و ملی نشان می‌دهند که امروزه بی‌تفاوتی اجتماعی با شاخص‌های مرتبط رشد قابل توجهی داشته است (ریکافرانکا^۷ و همکاران، ۲۰۲۲؛ ویازنیکووا^۸ و همکاران، ۲۰۱۹؛ موسوی و احمدی، ۲۰۲۲؛ بهشتی و همکاران، ۱۴۰۳؛ فرجی و ضخیمی، ۱۴۰۳؛ عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵).

بی‌تفاوتی اجتماعی به معنای کاهش حساسیت و مشارکت شهروندان در امور عمومی و اجتماعی و به‌طور خاص در مسائل شهری، به یک بحران اجتماعی تبدیل شده است که می‌تواند تأثیرات منفی عمیقی بر توسعه و پیشرفت شهری داشته باشد (محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰). این مفهوم با شاخص‌هایی نظیر کناره‌گیری مدنی و سهیم نشدن در مسائل و موضوعات زندگی اجتماعی، دلسردی، تفکیک عامدانه منافع شخصی از خواسته‌های عمومی و عام‌المنفعه، بی‌اعتنایی نسبت به رخدادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تعریف می‌شود (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵).

پیامدهای بی‌تفاوتی اجتماعی بسیار گسترده و عمیق هستند و می‌توانند توسعه شهری و پایداری اجتماعی را به خطر اندازند. بی‌اعتنایی به مسائل جمعی و ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، زمینه‌ساز رشد ناهنجاری‌ها در ساختار اجتماعی است؛ از جمله قدرت‌گیری گروه‌های مجرمان، افزایش خشونت، کاهش امنیت عمومی و شیوع فساد اداری. علاوه بر این، تجربه مداوم بی‌تفاوتی اجتماعی می‌تواند حس بی‌اثر بودن و ناامیدی را در افراد تشدید کند و مشارکت و سرمایه اجتماعی را کاهش دهد که خود موجب چرخه‌ای از بدبینی، انزوا و تضعیف حس تعلق جمعی می‌شود. در چنین شرایطی، تحقق توسعه پایدار، مدیریت مؤثر منابع شهری و تقویت انسجام اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود و نشان می‌دهد که مقابله با بی‌تفاوتی اجتماعی باید به یک اولویت راهبردی در سیاست‌گذاری‌های شهری و اجتماعی تبدیل شود.

این روند به‌ویژه در شهرها و کلان‌شهرها شدت بیشتری یافته است، به گونه‌ای که هم‌زمان با رشد فردگرایی و پیچیدگی مناسبات اجتماعی، احساس تعهد و مسئولیت شهروندان در قبال یکدیگر به شکل محسوس کاهش پیدا کرده است (بهشتی و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۱). این ویژگی‌ها در شهرهای بزرگ مانند تهران نمود بیشتری پیدا می‌کنند، جایی که پیچیدگی اجتماعی، رقابت‌های فردی و فشارهای اقتصادی و فرهنگی موجب افزایش انزوای اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.

این پژوهش، مطالعه جامع‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی با تأکید بر دو بعد بی‌تفاوتی رفتاری و بی‌تفاوتی عاطفی در شهر تهران است که با تمرکز بر ۳ منطقه برخوردار، نیمه‌برخوردار و غیربرخوردار، نمونه‌ای معرف و قابل تعمیم به شهر تهران را مورد توجه قرار داده است.

^۶ . Social Apathy

^۷ . Ricafranca

^۸ . Viaznikova

۱-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

واکنش شهروندان به رخدادها و مسائل اجتماعی، شاخصی کلیدی برای سنجش سلامت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت پاسخگویی جامعه محسوب می‌شود. بی‌تفاوتی اجتماعی که به معنای کاهش مشارکت فعال و پاسخگویی شهروندان در امور جمعی و عمومی تعریف می‌شود، یکی از پدیده‌های پیچیده در جوامع شهری مدرن است و می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر انسجام اجتماعی، توسعه پایدار و امنیت شهری داشته باشد. تعهد اجتماعی و نوع‌دوستی که نقش مهمی در ایجاد همبستگی و شبکه‌های حمایتی اجتماعی دارد، در معرض تهدید عوامل ساختاری مانند نابرابری اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و کاهش اعتماد عمومی قرار دارند؛ در نتیجه، افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی منجر به کاهش مشارکت مدنی، ضعف سرمایه اجتماعی و محدود شدن ظرفیت جامعه برای حل تعارض‌ها و مدیریت بحران‌ها می‌شود (گوایسو⁹ و همکاران، ۲۰۰۷).

پیامدهای گسترده بی‌تفاوتی اجتماعی در شهرهای بزرگ، از جمله افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، کاهش امنیت، رشد فساد اداری و کاهش سرمایه اجتماعی است. این پدیده همچنین موجب کاهش حس تعلق و هویت جمعی شهروندان شده و توانایی جامعه برای بهره‌گیری از منابع انسانی و اجتماعی برای حل مسائل شهری را محدود می‌کند. بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه می‌تواند به مثابه نوعی از بیماری تلقی شود، همانگونه که در نقطه مقابل آن، هرگونه اعتنای اجتماعی و نوع‌دوستی در حیات فردی و اجتماعی، نشانه پویایی و سلامت اجتماعی¹⁰ در نظر گرفته می‌شود. در وضعیتی که جامعه به‌طور فراگیر با این مسئله روبرو باشد، برای حل نزاع‌ها، اختلاف نظر، اجرای سیاست‌ها، افزایش بهره‌وری و... دچار چالش‌های جدی خواهد شد، چرا که اعضای جامعه در پی بی‌اثر دانستن حضور و نقش‌شان، کنشگری حداقلی و مشارکت بسیار اندکی در حل تعارضات و تلاش برای ساختن مسیرهای نو خواهند داشت و همین کاهش مشارکت می‌تواند امکان بهره بردن از ظرفیت‌های بالقوه جامعه را با محدودیت جدی روبرو سازد.

از این منظر، مطالعه جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی، به‌ویژه در کلان‌شهرهای پرجمعیت و پیچیده‌ای مانند تهران، امری حیاتی است تا بتوان عوامل ساختاری و فرهنگی مؤثر بر این پدیده را شناسایی و مداخلات سیاست‌محور و برنامه‌های اجتماعی تقویتی برای ارتقای مشارکت و انسجام اجتماعی طراحی نمود. به تعبیری ظرفیت‌سازی اجتماع/جامعه برای هرگونه مشارکت و کنشگری در گرو آن است که در گام نخست افراد جامعه خواست و تمایل برای کنشگری و مشارکت داشته باشند و فقدان این خواست و کنشگری یا ضعف آن فارغ از علل، هرنوع از تقویت اجتماع/جامعه را با تهدید جدی روبرو می‌سازد.

۱-۳. اهداف پژوهش

هدف این پژوهش بررسی وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی در شهر تهران و شناخت عوامل مؤثر بر آن است.

۱-۴. پرسش‌های پژوهش

- بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه مورد مطالعه چه میزان است؟
- عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی کدام‌اند؟

۱-۵. فرضیات پژوهش

- میان قابلیت کنشگری یا گوناگونی‌های فعال با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد؛
- بین بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان و سن آن‌ها رابطه معنادار مثبتی وجود دارد؛
- بین بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان و تحصیلات آن‌ها رابطه معنادار منفی وجود دارد؛
- میان بی‌تفاوتی اجتماعی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان (مناطق برخوردار، نیمه‌برخوردار و غیربرخوردار) تفاوت معناداری وجود دارد؛

9. Guiso

10. Social health

- بین جنسیت و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؛
- بین محل تولد افراد (شهر/روستا/ استان دیگر) و میزان بی تفاوتی اجتماعی شان رابطه معناداری وجود دارد؛
- بین مدت اقامت در محله و بی تفاوتی اجتماعی رابطه منفی وجود دارد؛
- بین بی تفاوتی اجتماعی و وضعیت فعالیت اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد؛
- بین مدت اقامت در شهر تهران و بی تفاوتی اجتماعی رابطه منفی وجود دارد.

۲- ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۱-۲. مرور تحقیقات پیشین

پیشینه پژوهش‌ها در باب بی تفاوتی اجتماعی، غالباً از منظر سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه به برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی با محوریت موضوع بی تفاوتی اجتماعی ذیل حوزه‌های موضوعی موجود خواهیم پرداخت.

مرادی و صفاریان (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی تفاوتی: مورد مطالعه شهر کرمانشاه» با روش توصیفی و از نوع پیمایشی بر روی ۶۴۳ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه به پژوهش پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که میان گرایش دینی، میزان فردگرایی، میزان سلامت اجتماعی، میزان نشاط اجتماعی، میزان امید به آینده، وضعیت سنی و میزان تحصیلات با بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه معناداری می‌باشد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که این پنج متغیر در مجموع توانسته‌اند ۴۶ درصد از تغییرات درونی متغیر بی تفاوتی را تبیین می‌کند.

عنبری و غلامیان (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی» موضوع بی تفاوتی را با روش پیمایشی در میان ساکنان بالای ۱۸ سال دو منطقه شهری و روستایی سنجیده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بی تفاوتی اجتماعی بیش از آنکه به عوامل و متغیرهای فردی نسبت داده شود، تابعی از ادراکات و تفسیرهای اجتماعی افراد خاصه میزان اعتماد عمومی، رضایت اجتماعی، حس بی‌هنجاری در جامعه، تقدیرگرایی و احساس بی‌عدالتی بوده است. در این میان اثرگذاری متغیرهای بی‌اعتمادی در جامعه شهری و نارضایتی اجتماعی در جامعه روستایی بارزتر بوده است. به این معنا که افراد با بی تفاوتی بالاتر در مقایسه با دیگران جامعه را بی‌هنجارتر و قانون‌گریزتر دیده‌اند. از سوی دیگر هرچه میزان اعتماد ایشان به جامعه بیشتر شده و از فرایندهای اجتماعی راضی‌تر بوده‌اند، نسبت به مسائل و رخداد‌های اجتماعی حساسیت بیشتری داشته‌اند.

محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰) در مطالعه خود با عنوان «پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)» با روش پیمایش و بر روی نمونه‌ای ۸۵۰ نفری در شهر تهران به این نتیجه رسیده‌اند که بی تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی در میزانی بالاتر از حد متوسط وجود دارد و سطح آن به ترتیب با نوسانات پنج متغیر التزام مدنی، فردگرایی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی و محرومیت نسبی تغییر می‌کند. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان بالای ۱۸ و پایین‌تر از ۸۰ سال شهر تهران بوده است. بنابر نتایج میانگین میزان بی تفاوتی با مقدار ۶۷/۲۰ در سطح متوسط رو به بالا بوده است. همچنین میزان آنومی، احساس محرومیت، فردگرایی، تحلیل هزینه-پاداش بالاتر از حد متوسط و میانگین میزان اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی و التزام مدنی در سطح پایینی قرار داشته است. در تحلیل‌های دومتغیره، بین جنسیت و بی تفاوتی اجتماعی، مرد‌ها بی تفاوتی اجتماعی بالاتری را دارا هستند. همچنین در تحلیل قومیت و بی تفاوتی اجتماعی، قوم کرد دارای کم‌ترین و قوم عرب دارای بیشترین بی تفاوتی اجتماعی هستند. در خصوص رابطه میان تحصیلات با بی تفاوتی اجتماعی، درجات پایین تحصیلی بیشترین و دارندگان مدرک فوق لیسانس کمترین میزان بی تفاوتی را ابراز کرده‌اند.

در تحقیقی دیگر، محقق بی تفاوتی را به عنوان عدم مشارکت تعریف کرده و عوامل اجتماعی از جمله قشربندی اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و قومیت در بعد روانشناختی و عواملی نظیر عزت نفس، احساس کارایی و اثرگذاری و... به عنوان متغیرهای اثرگذار بر میزان مشارکت و بی تفاوتی افراد اشاره می‌کند (مسعودنیا، ۱۳۸۰)

موسوی و احمدی (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان «بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان در دنیای واقعی و مجازی: یک مطالعه تطبیقی» به موضوع بی تفاوتی اجتماعی در دنیای واقعی و مجازی می پردازند. این پژوهش یک پیمایش اجتماعی است که در شهر کاشان میان ۳۸۴ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور، دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه دولتی کاشان با روش نمونه گیری طبقه بندی شده غیرمتناسب انجام شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که به طور کلی، میزان بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان در هر دو محیط واقعی و مجازی کمی بیشتر از حد متوسط است، اگرچه میزان آن در فضاهای واقعی کمی بیشتر از فضاهای مجازی است. همچنین مشخص شد که بین میزان بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان در دنیای واقعی و دنیای مجازی همبستگی وجود دارد، اما میزان این بی تفاوتی در دنیای واقعی یا مجازی بر اساس رشته تحصیلی، نوع دانشگاه، محل سکونت و درآمد تفاوت معناداری نداشت. به عبارت دیگر، میزان بی تفاوتی اجتماعی در تمام گروه های ذکر شده از دانشجویان نسبتاً یکسان بود.

ریکافرانکا (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان «ارزیابی بی تفاوتی اجتماعی در میان جوانان فیلیپینی: ساخت و اعتبارسنجی آزمون بی تفاوتی اجتماعی» به این موضوع پرداخته اند که جوانان فیلیپینی فاقد آگاهی اجتماعی یا علاقه به محیط اجتماعی-سیاسی خود هستند و بنابراین، از نظر اجتماعی بی تفاوت تلقی می شوند. این امر علت ناامنی و ناتوانی است که منجر به ناتوانی در ساختن و ارزش گذاری زندگی اجتماعی می شود. هدف این پژوهش ساخت و اعتبارسنجی ابزاری برای ارزیابی بی تفاوتی اجتماعی جوانان فیلیپینی است. اعتبارسنجی محتوایی مقیاس لیکرت اولیه ۴۰ ماده ای را با گروهی از روانشناسان و روان سنجان دارای مجوز انجام داده و به یک مطالعه آزمایشی روی ۳۲۰ پاسخ دهنده ۱۷ تا ۲۶ ساله پرداخته اند. این ابزار به ۳۸ مورد در دو زیرمقیاس (بی تفاوتی سیاسی و بی تفاوتی اخلاقی) کاهش یافت و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی برای آزمایش اعتبار سازه آن که از نظر آماری معنی دار بود ($p > 0.001$)، مورد تجزیه و تحلیل بیشتر قرار گرفت. علاوه بر این، هر شش مؤلفه (علاقه، رأی دهنده، تماشاگر، نفوذ، بی تفاوتی اخلاقی و سنگدلی اخلاقی) از پایایی خوب تا عالی برخوردار بودند. تحلیل همبستگی مشخص کرد که همه مؤلفه ها رابطه معنی داری با سازه اصلی که بی تفاوتی اجتماعی است، دارند.

گنس (۱۹۹۲)، در جامعه ایالات متحده آمریکا به بررسی رابطه مشارکت سیاسی و بی تفاوتی پرداخته و با توجه به کاهش علاقه افراد به پیگیری مسائل سیاسی جامعه خود، بی تفاوتی را به عنوان مسئله ای مهم در این کشور معرفی کرده است. وی مسئله بی تفاوتی را در ارتباط با متغیرهای مهمی مانند احساس ناتوانی، بیگانگی اجتماعی، نارضایتی از نظام اجتماعی، تقلیل تعلق اجتماعی و انگیزه های فردی و مواردی از این قبیل قرار داده و معتقد است بی تفاوتی اجتماعی زمانی شیوع بیشتری می یابد که متغیرهای یاد شده، فروانی کمی و کیفی بیشتری داشته باشند (گنس، ۱۹۹۲).

۲-۲. نظریات و تعریف مفاهیم

۱-۲-۲. بی تفاوتی اجتماعی

در حوزه علوم سیاسی بی تفاوتی را معادل بی میلی^{۱۱} در رابطه با مشارکت و درگیری فعال در فرایندهای سیاسی به کار برده اند که از اشکال رایج آن می توان به بی تمایلی شهروندان جهت شرکت در انتخابات و رأی دادن اشاره کرد. بی تفاوتی در جامعه به مثابه نوعی بیماری تلقی شده و به عنوان عاملی کلیدی در تعیین وضعیت نظم اجتماعی اثرگذار خواهد بود، چنانکه در نقطه مقابل آن هرگونه اعتنای اجتماعی و نوع دوستی در حیات فردی و اجتماعی نشانه پویایی و سلامت اجتماعی^{۱۲} خواهد بود (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰). در ادبیات علوم اجتماعی جدید، این پدیده نه تنها به کاهش مشارکت سیاسی بلکه به فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد نهادی و ضعف انسجام اجتماعی نیز مربوط دانسته می شود (پاتنام، ۲۰۰۰). دلسردی و بی اعتنائی افراد و گروه های مختلف اجتماعی تحت تاثیر عوامل متعددی از قبیل بیگانگی، حس محرومیت و ... موجب ایجاد شکندگی در ساختار اجتماعی شده و اعضای شبکه اجتماعی نسبت به فرآیندهای اجتماعی بدبین و دچار ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هرگونه ارتباط اجتماعی میشوند لذا فردی که

11. Disinclination

12. Social health

نسبت به جامعه به طور عام و نظام اجتماعی- سیاسی به طور خاص احساس خصومت می‌کند، احتمال دارد که از همه انواع مشارکت کناره‌گیری کرده و به صف افرادی که کاملاً بی‌تفاوت هستند پیوندند (راش، ۱۳۸۸: ۳). پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند که چنین بی‌تفاوتی می‌تواند به چرخه‌ای معیوب از کناره‌گیری عمومی، ضعف پاسخ‌گویی حکومت و تشدید بحران اعتماد منجر شود. نظریات نظریه‌پردازان را درباره این مفهوم می‌توان در دو دسته اصلی طبقه‌بندی کرد، گروهی که بر وجوه رفتاری بی‌تفاوتی تأکید دارند و دسته‌ی دیگری که بی‌تفاوتی را از منظر عاطفی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

۲-۲-۲. بی‌تفاوتی عاطفی

ماهیت دلزدگی، بی‌تفاوتی نسبت به تمایز میان چیزها است، البته به معنای آن نیست که فرد تفاوت چیزها را نمی‌بیند، بلکه تمایز بین چیزها بی‌اهمیت می‌شود و همه چیز در یک سطح خاکستری و هم‌شکل دیده می‌شود که در قالب آن اولی‌ت وجود ندارد (کرایب، ۱۳۷۸). مطالعات روان‌شناسی اجتماعی این موضوع را ذیل مفاهیمی مانند بی‌حسی عاطفی^{۱۳} بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که این موضوع می‌تواند پیامدی از وقایع استرس‌زای زندگی و فشارهای مختلفی مانند ناامنی اقتصادی و بی‌ثباتی اجتماعی باشد (لی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۳).

دیوید رایزمن^{۱۵}، در تحلیل و تفسیر تحولات اجتماعی به عوامل جمعیتی اشاره می‌کند. او در "انبوه تنها" جوامع را بر حسب تغییرات جمعیتی به سه دسته تقسیم و در نتیجه سه دوران را در تاریخ اجتماعی از هم تفکیک کرده است. نوع اول این جوامع، جامعه سنتی است که در آن انسان به صورت سنت‌نگر در دورانی که سنن بر رفتار و روابط وی حاکم بوده‌اند میزیسته که آدمیان در آن با پذیرش و درونی‌سازی حیات سنتی خود وحدتی با نسل‌های پیش از خود دارند. نوع دوم که جامعه در حال گذار است، دوران انسان درون راهبر است که طی آن، فرهنگ جامعه گرایش به خلق انسان‌هایی دارد که از درون هدایت می‌شوند. در این دوران افراد جامعه دچار نوعی فردگرایی شدید هستند و بی‌تفاوتی در آن به اوج خود می‌رسد. دوران آخر عصر پیدایی انسان دگرراهبر است که به لحاظ اجتماعی در آن، نوعی جمع‌گرایی حاکم می‌شود و به سوی توده‌ای شدن حرکت می‌کند. این همان دورانی است که در درون آن انبوه‌های تنها در شهرهای بزرگ پدید می‌آیند و با وجود همه تراکم انسانی که وجود دارد، انسان تنها است و اطلاق انبوه تنها از سوی رایزمن هم اشاره به همین تنهایی انسان در درون جمعیت کثیر انسانی دارد که به عقیده وی نتیجه رشد جمعیت و شهرنشینی است (روشه، ۱۳۸۰).

نظریه عدم اثربخشی نیز از جمله نظریات بی‌تفاوتی است. احساس بی‌قدرتی، احساس عدم اثربخشی (اثربخشی) یا احساس عدم کارایی در فرآیندهای اجتماعی، که جملگی معانی مترادفی را دارند مبنای این نظریه را تشکیل می‌دهند (ساثول؛ ۲۰۰۳: ۲۰۱). ساثول جریان اجتماعی شدن و تجارب تدریجی در جامعه را از جمله عوامل سرخوردگی و دل‌مردگی اجتماعی افراد معرفی کرده‌است. وی معتقد است که هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از احساس عدم اثربخشی در فرآیندهای اجتماعی- سیاسی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی‌تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسائل اجتماعی وجود دارد.

۲-۲-۳. بی‌تفاوتی رفتاری

کاپلان در روانشناسی اجتماعی پدیده‌هایی به نام تماشاگران را مطرح می‌کند. مشهورترین حادثه، واقعه‌ای بود که در ساعت ۳:۱۵ دقیقه ۱۳ مارس ۱۹۶۴ در نیویورک به وقوع پیوست. در این زمان زنی به نام کاترین در حال بازگشت به آپارتمان‌ش مورد حمله ضاربی قرار گرفت، اما هیچکس به فریادهای او توجهی نکرد و به دلیل آنکه کسی به پلیس خبر نداد و قاتل به او تجاوز کرده، دلارهایش را سرقت و با وارد کردن ضربات بیشتری او را به قتل رساند (ارونسون، ۱۳۸۲). از جمله مهمترین خصوصیات تماشاگران بی‌تفاوت، چشم‌پوشی

13. Emotional Numbing

14. Li

15. David Riesman

است. وقتی جمعی حادثه‌ای را تماشا میکند، هر فرد به صورت ناخودآگاه برای آنکه بتواند تصمیم بگیرد که باید مداخله کند یا خیر، به عکس‌العمل دیگران توجه می‌کند و از آن جایی که دیگران نیز در حال پایش هستند، هیچکس دست به عمل نخواهد زد.

از دیگر رویکردهایی که می‌توان آن را تابعی از الگوی بی‌تفاوتی رفتاری دانست، تئوری توطئه¹⁶ است، که علاوه بر رواج در بین بسیاری از سیاستمداران و صاحبان قدرت، به فرهنگ سیاسی در جامعه تبدیل می‌شود. آبراهامیان تئوری توطئه را نداشتن اعتقاد یا باور نکردن، شکل ظاهری رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند (آبراهامیان، ۱۳۸۲) تئوری توطئه نظریه‌ای است که حوادث تاریخی و تحولات آشکار اجتماعی را محصول مستقیم دسیسه‌های پشت پرده گروه معدودی میداند و فرض را بر این می‌گذارد که دست‌های آشکار و بیشتر پنهان رقم زننده‌ی سرنوشت فرد یا جامعه هستند. (کاشی، ۱۳۷۶). مطالعات اخیر نشان داده‌اند که گرایش به تئوری‌های توطئه اغلب با سطوح بالای بی‌اعتمادی اجتماعی و بی‌تفاوتی نسبت به فرایندهای رسمی سیاسی و اجتماعی هم‌بسته است. اگرچه افراد به وضوح زمانی که انگیزه‌های اجتماعی‌شان ناامید می‌شود، جذب نظریه‌های توطئه می‌شوند، اما به هیچ وجه مشخص نیست که اتخاذ این نظریه‌ها راهی مثر مثر برای تحقق این انگیزه‌ها باشد (داگلاس¹⁷ و همکاران، ۲۰۱۷).

برخی از صاحب‌نظران بی‌تفاوتی را نه با تفکیک بعد رفتاری و عاطفی، بلکه به صورت یک مفهوم یکپارچه و تجمیعی در نظر گرفته‌اند. یکی از دقیق‌ترین مفهوم‌سازی‌ها از این حیث، در کار پژوهشی توسط ملوین سیمن¹⁸ در دهه‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ در تبیین منظم مفهوم بیگانگی رخ داده‌است. سیمن بیگانگی را مرتبط با ساختار بوروکراسی جامعه مدرن می‌داند، چنان که شرایطی به وجود آمده که انسان از یک سو نمی‌تواند عواقب رفتار و اعمال خود را کنترل کند و از سویی دیگر نحوه کنترل و مدیریت جامعه به سویی حرکت کرده است که فرد نمی‌تواند بین رفتار خود و پاداش ارائه شده از سوی جامعه، ارتباطی برقرار کند و در نتیجه دچار حس بیگانگی خواهد شد. در گفتار سیمن بیگانگی از دیدگاه شخصی کنشگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. او بیگانگی را در پنج مفهوم بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوا و یا جدافتادگی و خودبیزاری بررسی کرده‌است (سیمن ۱۹۵۹، محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، توسلی، ۱۳۸۲).

یکی دیگر از افرادی که در این حوزه مفهوم‌پردازی کرده است، آمارتیا سن است. وی با طرح نظریه «قابلیت‌ها»^{۱۹} تحولی اساسی در درک مفاهیم فقر و نابرابری ایجاد کرد. او، تفکر سنتی توسعه را که رشد تولید ناخالص داخلی را به عنوان وسیله اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد، نقد می‌کند. توسعه انسانی، مبتنی بر رویکرد قابلیت، بر افزایش آزادی واقعی افراد برای انتخاب انواع زندگی‌هایی که برای آن‌ها ارزش قائل هستند، تمرکز دارد (کوهامبا، ۲۰۲۲). از نظر او، فقر صرفاً به معنای کمبود منابع مادی یا درآمد نیست، بلکه محدودیت در «آزادی‌های واقعی» انسان برای دستیابی به زندگی‌ای است که ارزش زیستن دارد. به بیان دیگر، فقر در نگاه سن نوعی محرومیت از «قابلیت» است؛ یعنی فرد به دلایل ساختاری، فرهنگی یا اجتماعی از فرصت‌های واقعی برای کنشگری، انتخاب و اثرگذاری بر زندگی خود و جامعه محروم می‌شود (سن، ۱۴۰۱). این رویکرد به ما اجازه می‌دهد تا بی‌تفاوتی اجتماعی را نه صرفاً یک پدیده روان‌شناختی یا اخلاقی، بلکه به مثابه شکلی از «فقر قابلیت» تحلیل کنیم.

بر این اساس در واقع، بی‌تفاوتی اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد در زندگی جمعی احساس بی‌قدرتی و بی‌اثر بودن داشته باشند؛ یعنی نتوانند قابلیت‌های خود را برای مشارکت، تصمیم‌گیری یا کنش اجتماعی بالفعل کنند. از این منظر، بی‌تفاوتی همان قدر که نشانه‌ای از ضعف انگیزه‌ی فردی است، بازتابی از نابرابری‌های ساختاری در «قابلیت‌های کنشگری» نیز هست. آمارتیا سن تأکید می‌کند که افراد ممکن است منابع مشابهی در اختیار داشته باشند، اما توانایی تبدیل این منابع به کنش واقعی، بسته به شرایط اجتماعی، فرهنگی و محیطی آن‌ها متفاوت است. به همین دلیل او از پنج منبع گوناگونی یاد می‌کند: ناهمگنی‌های شخصی، گوناگونی‌های

16 . Conspiracy Theory

17 . Douglas

18 .Melvin Seeman

19 . Capability Approach

محیطی، تفاوت شرایط اجتماعی، دیدگاه‌های ارتباطی و توزیع نابرابری درون خانواده‌ای (آمارتیاسن، ۱۳۸۱). افزون بر این، آمارتیاسن بُعد رابطه‌ای قابلیت‌ها را نیز برجسته می‌کند. از نظر او، کیفیت روابط انسانی و اجتماعی بخشی از ساخت قابلیت‌های افراد است. بنابراین، کاهش اعتماد اجتماعی، گسست شبکه‌های محلی و ضعف ارتباطات افقی میان شهروندان، نوعی محرومیت رابطه‌ای به شمار می‌رود که خود به بی‌تفاوتی و انزوا می‌انجامد (استوارت و دنولین، ۲۰۰۲). به این ترتیب، بی‌تفاوتی اجتماعی نه صرفاً فقدان حساسیت فردی، بلکه نشانه‌ای از ضعف در ساخت اجتماعی قابلیت‌هاست. ما در این تحقیق از این منابع بهره برده‌ایم و تلاش کرده‌ایم ارتباط وضعیت برخی از این گوناگونی‌ها با بی‌تفاوتی را مورد مطالعه قرار دهیم؛ استدلال این پژوهش آن بوده است که بی‌تفاوتی نه صرفاً محصول امری روان‌شناختی و اخلاقی بلکه محصول ناشی از قابلیت‌های مرتبط با منابع در اختیار افراد است؛ در ادامه نگاهی عمیق‌تر به این گوناگونی‌ها خواهیم داشت:

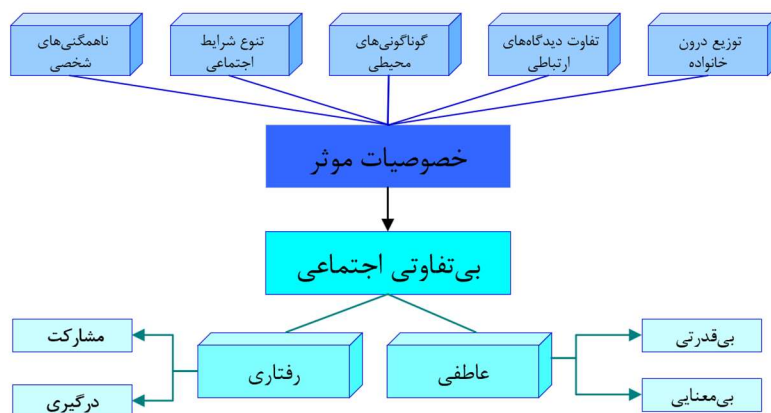
جدول ۱- خصوصیات موثر از نظر آمارتیاسن

عنوان	توضیح
ناهمگنی‌های شخصی	ویژگی‌های شخصی نظیر سن، جنسیت، معلولیت یا بیماری خاص سبب می‌شود که نیازهای گوناگونی برای افراد تعریف شود.
گوناگونی‌های محیطی	تنوع در شرایط محیطی چون وضعیت اقلیمی تا وجود محرومیت‌های اساسی می‌تواند بر شرایط افراد تاثیرگذار باشد. سنجش منطقه محل سکونت (شهر و روستا) می‌تواند از این موارد باشد.
تفاوت شرایط اجتماعی	شرایط اجتماعی از جمله آموزش می‌تواند در کیفیت زندگی، کنش‌های فردی و حیات اجتماعی موثر باشد. متغیرهایی نظیر سطح تحصیلات، وضع فعالیت، شغل می‌تواند به عنوان سنجه‌هایی برای این بخش باشد.
تفاوت دیدگاه‌های ارتباطی	نیازهای مربوط به الگوهای رفتاری جابفته در جوامع که متناسب با آداب و رسوم آنها می‌تواند متفاوت باشد. نکته اول درباره تاثیر سطح نسبی فقر در دستیابی به بعضی از کارکردهای ابتدایی (همچون شرکت در حیات اجتماعی)، نکته دوم به لحاظ توانایی فرد مانند حضور بدون خجالت در اجتماع است. متغیرهایی نظیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضع مهاجرت و سابقه سکونت در استان (برای مهاجران) می‌تواند بر نحوه ارتباطات افراد و متکی بر آداب و رسوم اجتماعی آن‌ها موثر باشد.
توزیع نابرابری درون خانواده	توزیع درآمدها در درون خانواده متغیر اساسی مهمی در مرتبط ساختن موفقیت‌ها و فرصت‌های فردی با سطح کلی درآمد خانواده است. قواعد توزیعی حاصله در درون خانواده که منجر به الگوی هزینه نیز می‌شود، می‌تواند تفاوت بزرگی در مورد دستاوردها یا وضعیت نامساعد تک تک اعضای خانواده ایجاد کند.

در میان این گوناگونی‌های سن، می‌توان میان دو دسته‌ی «فعال» و «غیرفعال» تمایز قائل شد. او اشاره می‌کند که برخی از این منابع تنوع می‌توانند تحت تأثیر سیاست‌های اجتماعی و اقدامات عمومی قرار گیرند، در حالی که برخی دیگر عمدتاً مفروض هستند و به راحتی قابل تغییر نیستند (اندرسون، ۲۰۰۸). گوناگونی‌های غیرفعال یا غیر قابل کنترل، مانند سن، جنس یا ناتوانی‌های جسمی، معمولاً خارج از کنترل فرد هستند، اما گوناگونی‌های فعال یا قابل تغییر مانند آموزش، اشتغال، ثبات محله‌ای و کیفیت روابط اجتماعی از طریق سیاست‌های عمومی و کنش جمعی قابل تغییرند. بنابراین تأثیرپذیری بی‌تفاوتی اجتماعی از گوناگونی‌های متفاوت بسیار کلیدی است چراکه عطف به این ویکرد، سرمایه‌گذاری بر روی ارتقای گوناگونی‌های فعال می‌تواند باعث ارتقای قابلیت‌های کنشگری شود و در همین راستا می‌توان احتمال بروز بی‌تفاوتی اجتماعی را کاهش برآورد کرد.

از منظر جامعه‌شناسی کنش نیز، می‌توان میان مفهوم فقر قابلیت‌ی سن و نظریه بیگانگی سیمن پیوند برقرار کرد. هر دو نظریه به نحوی بر کاستی در کنشگری انسانی تأکید دارند. در نظریه‌ی سیمن، بیگانگی اجتماعی با احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوا و ازخودبیگانگی همراه است (سیمن، ۱۹۵۹)؛ در حالی که سن همین وضعیت را در قالب نابرابری در فرصت‌های واقعی برای کنش معنا می‌کند. در نتیجه، فقر قابلیت‌ی را می‌توان بیان ساختاریافته‌تر همان تجربه بی‌قدرتی دانست که در شرایط اجتماعی مدرن و در بستر نابرابری‌های شهری بازتولید می‌شود و در نتیجه‌ی آن بی‌تفاوتی رقم می‌خورد.

در مجموع، نظریه فقر قابلیت آماریاسن چارچوبی فراهم می‌آورد تا بتوان پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی را در پیوند با نابرابری‌های ساختاری، فضایی و رابطه‌ای تحلیل کرد. از این منظر، ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش فرصت‌های مشارکت و گسترش احساس اثربخشی فردی و جمعی، نه صرفاً سیاست‌های فرهنگی، بلکه بخشی از راهبرد عدالت اجتماعی و رفع فقر قابلیت در جامعه شهری محسوب می‌شوند.



شکل ۱. چارچوب نظری مطالعه

۳. روش‌شناسی پژوهش

پیمایش از جمله روش‌هایی است که برای بررسی ویژگی‌های یک جامعه آماری به کار می‌رود. در این روش ارتباط بین متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد (دواس، ۱۴۰۱: ۱۳-۱۴)، اما از آن‌جا که در گروه‌های بزرگ، هنگامی که مقایسه نسبتاً دقیق رفتار گروه‌ها با یکدیگر مطرح می‌شود، باید از مقیاس‌های دقیق، قابل اطمینان و یک شکل برای مقایسه و سنجش تعداد زیاد پاسخگویان استفاده کنیم، تکنیک پرسشنامه به این هدف ایده‌آل نزدیکتر و ساده‌ترین راه تهیه داده‌های ساختمان است (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۹۶). بر این اساس در این مطالعه از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. زمان آمارگیری در این تحقیق تابستان ۱۳۹۵ بوده است. علاوه بر اینکه در تحقیق پیمایشی لازم است تا تعیین کنیم درصد تبیین چه چیزی و در چه شرایطی هستیم، باید جامعه‌ی آماری و واحد تحلیل‌مان را نیز مشخص کنیم که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد:

جامعه آماری شامل افراد ۲۰ سال به بالای ساکن در محلات تهران هستند، دلیل اینکه رده سنی را از ۲۰ سال شروع کرده‌ایم، جنس سوالات و مفاهیم مورد سنجش ما است که افراد بالای ۲۰ سال صلاحیت بیشتری برای پاسخگویی داشته‌اند. این بررسی مستلزم رجوع به کسانی بود که بتوانیم گزارش این متغیر را از آنان درباره این مسئله گردآوری کنیم، لذا واحد تحلیل در این تحقیق فرد بوده‌است.

۳-۱. شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

محلات تهران را می‌توان به عنوان واحدهای جمعیتی در نظر گرفت که واجد اشتراک‌هایی هستند و می‌توانند مبنای تحدید جمعیت آماری و نمونه‌گیری قرار گیرند. محلات به عنوان واحد مطالعاتی و جمعیت آماری در نظر گرفته شد، نمونه آماری باید به گونه‌ای باشد که نتایج حاصل از آن به جمعیت آماری یا هر محله تعمیم‌پذیر و به لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه باشد. نمونه‌گیری به گونه‌ای انتخاب شد که نماینده سه منطقه برخوردار، نیمه برخوردار و غیربرخوردار شهر تهران باشد. منطقه ۳ به عنوان نماینده منطقه برخوردار، منطقه ۱۱ به نمایندگی از منطقه نیمه برخوردار و منطقه ۱۸ به نمایندگی از منطقه غیربرخوردار شهر تهران برای نمونه‌گیری انتخاب شدند. حجم نمونه مورد نظر ما با استفاده از فرمول کوکران و ضریب اطمینان ۹۵ درصد انتخاب شده‌است. برای این نمونه نصف فاصله اطمینان ۶ درصد در نظر گرفته شده است حجم نمونه ۲۳۷ نفر است که در نهایت ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شده‌اند. از سویی باتوجه به

جمعیت سه منطقه ۳، ۱۱ و ۱۸، متناسب با جمعیت بالای بیست سال این مناطق حجم نمونه در منطقه ۳ برابر با ۷۵ نفر، در منطقه ۱۱، ۷۹ نفر و در منطقه ۱۸ برابر با ۸۶ نفر در نظر گرفته شد.

جدول ۲. مشخصات فرمول کوکران برای محاسبه حجم نمونه

$q=0/333$	$P=0/667$	$N=6.831.115$
$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq}$	$d=0/06$	$T=0/95(1/96)$
پس از محاسبه نهایی عدد نمونه برای شهر تهران برابر است با: ۲۳۷ نفر		

۲-۳. روش نمونه‌گیری

با توجه به تعداد نمونه در منطقه ۳، از ۸ بلوک، در منطقه ۱۱ از ۸ بلوک و در منطقه ۱۹ از ۹ بلوک نمونه انتخاب شده است. لازم به ذکر است در هر بلوک ۱۰ فرد به عنوان پاسخگو به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. پرسشگری از سمت شمال غربی هر بلوک آغاز شده و پنجمین واحد مسکونی و یا زنگ مسکونی اولین نمونه مورد نظر بوده است، پس از انتخاب نمونه و جمع‌آوری داده، جمع‌آوری اطلاعات نمونه بعدی با فاصله ۱۰ واحد مسکونی و یا زنگ مسکونی ادامه پیدا کرده است. این کار تا اتمام تعداد نمونه‌های مورد نظر در همان بلوک ادامه پیدا کرده است.

۳-۳. تعریف عملیاتی مفاهیم

بی‌تفاوتی رفتاری با دو شاخص «مشارکت» و «درگیری» سروکار داشته و بر اساس میزان فعال بودن فرد در این دو امر مورد سنجش قرار خواهد گرفت. مشارکت به معنای شرکت و همکاری داوطلبانه در مجموعه فعالیت‌های سیاسی، مدنی و محله‌ای برای فرد در حد انتظار و نیز عدم دخالت و پذیرش مسئولیت تعریف شده است؛ و درگیری به معنای عدم وارد شدن با هدف حل و یا کمک‌رسانی و عبور کردن در برابر مسائل پیرامونی و حوادث رخ داده برای اعضای جامعه است. در این تحقیق مولفه مشارکت در مفهوم بی‌تفاوتی رفتاری، با شاخص‌های سیاسی، محله‌ای و مدنی سنجیده شده است. همچنین مولفه درگیری نیز عملیاتی و مورد سنجش قرار گرفته است.

بی‌تفاوتی عاطفی را براساس دو مسئله «بی‌معنایی» و «بی‌قدرتی» مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم که مولفه بی‌قدرتی با دو شاخص تأثیرگذاری و ایجاد تغییر مورد سنجش قرار گرفت. در وضعیت بی‌قدرتی احساس فرد نسبت به تأثیرگذار او در وضعیت‌های اجتماعی و نیز تصور وی از عمل و کنش‌ورزی خودش مورد سنجش قرار گرفته است. در این شاخص احساس اثربخشی فرد در نزد خود حائز اهمیت است. در سنجش وضعیت بی‌معنایی احساس فرد نسبت به اینکه تا چه میزان هیچ راهنمایی برای گزینش عقیده، مسلک و رفتار خود نمی‌بیند، مورد توجه قرار خواهد گرفت.

همچنین در این تحقیق متغیرهای موثر در پنج گروه: ناهمگنی‌های شخصی (جنس، سن، تاهل)، گوناگونی‌های محیطی (محل تولد و سکونت)، تنوع شرایط اجتماعی (تحصیلات، هزینه، وضعیت فعالیت و اشتغال، بعد خانوار)، تفاوت دیدگاه‌های ارتباطی (مدت اقامت در شهر و محله و زندگی در محله برخوردار، نیمه‌برخوردار و غیربرخوردار) و توزیع درون خانواده (درآمد) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۳. تعیین اعتبار و روایی گویه‌ها

برای سنجش پایایی و روایی ابزار معمولاً از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. استفاده از معرف‌های چند گویه‌ای، جمله‌بندی دقیق پرسش‌ها، عدم استفاده از گویه‌هایی که پرسشگران نسبت به آن‌ها شناختی ندارند و ... از جمله روش‌هایی است که موجب بالا رفتن پایایی می‌شود (دواس: ۱۴۰۱). برای سنجش اعتبار گویه‌ها نیز استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مناسب است. در این زمینه چنانچه ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰.۵ باشد، اعتبار نسبی گویه‌ها و لذا مفهوم مورد نظر را تصدیق می‌کند. در این مطالعه در ابتدا سؤالات در

مرحله پیش آزمون²¹ توسط ۳۰ پاسخگو مورد ارزیابی قرار گرفت و نهایتاً بعد از اصلاحات، سوالات نهایی تدوین شده و اعتبار سوالات جدید بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای متغیر مورد مطالعه عبارت است از:

جدول ۳. ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیر بی تفاوتی

متغیر	Pre test	ضریب آلفا
بی تفاوتی رفتاری-درگیری	۸۰۶.۰	۷۵.۰
بی تفاوتی رفتاری-مشارکت-انجمنی	۷۱۱.۰	۷۶۴.۰
بی تفاوتی رفتاری-رای دهی	۹۰۵.۰	۹۱۴.۰
بی تفاوتی عاطفی-بی معنایی	۶۰۳.۰	۷۹۰.۰
بی تفاوتی عاطفی-بی قدرتی	۶۱۳.۰	۷۸۶.۰

۵-۳. خصوصیات مؤثر

در این تحقیق منظور از خصوصیات مؤثر، متغیرهایی نظیر جنس، سن، تحصیلات، محل تولد، وضع مهاجرت، ثبات اقامت در تهران، محل اقامت فعلی، ثبات محله‌ای، وضع فعالیت، شغل، درآمد، هزینه، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بعد خانوار، وضع تاهل، دسترسی رسانه‌ای، مصرف رسانه‌ای در صورت دسترسی بوده‌است.

۶-۳. نحوه تحلیل داده‌ها

برای توصیف و تحلیل داده‌ها از توزیع فراوانی و نسبی و همچنین از آماره‌های میانگین، میانه و انحراف معیار استفاده شده‌است. ضرایب همبستگی پیرسون، اسپرمن، آزمون t و تحلیل واریانس برای بررسی فرضیات مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین، از رگرسیون خطی برای بررسی روابط چندگانه و برای چگونگی تاثیر متغیرها و آرایش آنها بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده شده‌است.

۴. یافته‌های پژوهش؛ توصیف و تحلیل یافته‌ها

۱-۴. توصیف متغیرها

در این قسمت اطلاعات توصیفی در ارتباط با جمعیت نمونه و متغیرهای مستقل و وابسته ارائه می‌شود. از آن‌جا که مبنای تقسیم‌بندی محلات اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن‌ها (وضعیت اقتصادی، میزان مهاجرت و سواد زنان) بوده است لذا در توصیف داده‌ها علاوه بر ارائه اطلاعات به صورت کلی، داده‌ها به تفکیک محلات برخوردار، نیمه برخوردار و غیر برخوردار نیز تحلیل شده‌اند تا مبنایی برای مقایسه بهتر یافته‌ها فراهم شود.

۱-۱-۴. توصیف متغیر مستقل (خصوصیات مؤثر)

بررسی خصوصیت ناهمگنی شخصی حاکی از آن است که از ۲۴۰ فرد مورد مطالعه ۴۷.۱ درصد پاسخگویان ما را در این تحقیق زنان و ۵۲.۹ درصدشان را مردان تشکیل داده‌اند. میانگین کل سن پاسخگویان در منطقه ۳ برابر ۳۵.۵، در منطقه ۱۱، ۴۱ سال و در منطقه ۱۸ برابر با ۳۷ سال است. بدین ترتیب، می‌توان گفت پاسخگویان منطقه ۳ از همه جوان‌تر و پاسخگویان منطقه ۱۱ از همه مسن‌تر بوده‌اند.

خصوصیت دگرگونی محیطی که محل تولد، مدت اقامت در شهر تهران و مدت اقامت در محله را شامل می‌شد و می‌تواند مولفه‌ی مهمی برای تعیین پیوند فرد با محله و همبستگی وی با جامعه کوتاه برد اطرافش باشد، حاکی از آن است که ۶۶.۳ درصد کل پاسخگویان متولد استان تهران، ۲۰.۱ درصد متولد شهرهای دیگر استان تهران، ۳۰ درصد متولد شهرهای دیگر استانهای کشور و ۱.۷ درصد هم متولد روستاهای سایر استانهای کشور هستند. همچنین میانگین حضور پاسخگویان غیرمتولد در تهران، در شهر تهران حدود ۲۰ سال و ۸ ماه است که نیمی از این افراد بیش از ۱۳ سال ساکنین تهران بوده‌اند. همچنین مدت اقامت کلیه پاسخگویان در محله‌های مورد نظر ۱۷ سال است.

خصوصیت سوم بررسی تنوع اجتماعی بود، که داده‌ها چنین نشان می‌دهد، تنها ۲.۹ درصد پاسخگویان بی‌سوادند و ۶.۳ درصد در حد ابتدایی سواد دارند. در مجموع ۱۲.۵ درصد پاسخگویان تحصیلات زیر دیپلم داشته‌اند. این در حالی است که پاسخگویان دیپلم و فوق دیپلم به ترتیب برابر با ۲۷.۶ و ۱۰.۹ درصد بوده‌اند. از سوی دیگر ۳۳.۹ درصد پاسخگویان لیسانس و ۱۲.۱ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و دکتری هستند. دیگر مولفه خصوصیت تنوع اجتماعی یعنی وضعیت فعالیت نیز حاکی از آن است که در مجموع کل جامعه آماری ۵۸.۴ درصد پاسخگویان فعال و ۴۱.۶ درصد غیرفعال هستند. در میان فعالان، ۵۲.۵ درصد شاغل و ۵.۹ درصد بیکار هستند. سهم نسبی شاغلان در منطقه ۳ با ۶۱.۵ درصد بیشتر از دو منطقه دیگر است و همچنین منطقه ۱۸ با دارا بودن، ۳۰.۲ درصد، بیشتر خانه‌داران را به خود اختصاص داده‌است. در مورد جمعیت در حال تحصیل باید گفت که سهم آنان با ۱۳ درصد در رتبه سوم جدول وضعیت فعالیت قرار می‌گیرد که بیشترین آنان در منطقه نیمه برخوردار نمونه ما یعنی منطقه ۱۱ جای گرفته‌اند. جمعیت بیکاران و نیز بازنشستگان و دارندگان درآمد بدون کار، در سه منطقه باهم برابر و در حدود ۶ درصد از جامعه آماری نمونه را تشکیل می‌دهد. همچنین در کل جامعه آماری، حدود ۳۷.۹ درصد از پاسخگویان در خانوارهای ۴ تا ۵ نفره زندگی میکنند، حدود ۵۷.۵ درصدشان در خانوارهای زیر ۳ نفر و حدود ۴.۶ درصدشان در خانوارهای پرجمعیت بالای ۶ نفر هستند. بخش عمده جامعه آماری دارای همسر بوده‌اند (۶۲/۷ درصد). سهم نسبی افراد هرگز ازدواج نکرده ۳۱/۸ درصد است. در منطقه برخوردار مورد بررسی ما از هر ۱۰۰ نفر ۶۰ نفر دارای همسر و ۴۰ نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند. سهم بی‌همسری به علت فوت و یا طلاق در منطقه ۱۱ که نماینده منطقه نیمه برخوردار است، بیش از منطقه غیربرخوردار است. بیشترین تعداد افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، در منطقه برخوردار مشاهده شده‌است.

در مورد استفاده از رسانه که چهارمین خصوصیت ما با عنوان تفاوت دیدگاه‌های ارتباطی را شامل می‌شود، در استفاده از رادیو و تلویزیون، تنها ۴.۲ درصد پاسخگویان از این رسانه‌ها استفاده نمی‌کنند. سهم نسبی استفاده‌کنندگان از ماهواره در سطح شهر تهران بدین شکل است که از هر ۱۰ نفر، حدود ۶ نفر ماهواره تماشا میکنند. میزان استفاده از روزنامه و مجله در سطح کل پاسخگویان حدود ۷۷ درصد است و استفاده از اینترنت نزدیک به ۸۵ درصد است. ۸۱ درصد پاسخگویان از شبکه‌های موبایلی مانند تلگرام و اینستاگرام نیز استفاده می‌کنند، درحالیکه حدود نیمی از پاسخگویان به استفاده از شبکه‌های ارتباطی مجازی همانند فیسبوک مبادرت می‌کنند. در خصوص رادیو و تلویزیون همانند تحقیقات دیگری که انجام شده است، سهم استفاده از آن همچنان با ۹۶ درصد در بالاترین ردیف قرار می‌گیرد.

۲-۱-۴. توصیف متغیر وابسته (بی تفاوتی اجتماعی)

داده‌های مربوط به مفهوم بی تفاوتی اجتماعی در این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین بی تفاوتی در جامعه برابر ۴ است، این عدد نشانگر آن است که میزان بی تفاوتی در جامعه در حد نسبتاً پایین‌تر از حد وسط قرار دارد. در مقایسه منطقه‌ای باید گفت که در ابتدا بیشترین حد بی تفاوتی به منطقه نیمه برخوردار، سپس برخوردار و در نهایت به منطقه غیربرخوردار تعلق دارد. از سویی درصد فراوانی نسبی بی تفاوتی زیاد و خیلی زیاد در کل برابر ۱۴.۲ است که نشانه میزان پایین بی تفاوتی اجتماعی نزد پاسخگویان است.

جدول ۴. توزیع بی تفاوتی اجتماعی به تفکیک مناطق

آماره‌ها			مراتب					بی تفاوتی
منطقه	خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میان	انحراف معیار
کل	13.8	40	32.1	12.1	2.1	4	3.8	1.86
3	17.7	26.6	39.2	16.5	0	4.07	4.37	1.82
11	10.7	38.7	34.7	10.7	5.3	4.3	4.05	2.04
18	12.8	53.5	23.3	9.3	1.2	3.68	3.53	1.69

۱-۲-۴. بعد بی تفاوتی رفتاری

بی تفاوتی رفتاری در دو مولفه «درگیری» و «مشارکت» مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین کل بی تفاوتی اجتماعی در این بعد در جامعه آماری برابر است با ۵.۲۵ که تا حدی از وسط مقیاس داده‌ها در فاصله ۰ تا ۱۰ بالاتر است. میانگین بی تفاوتی در منطقه ۳ به عنوان نماینده منطقه برخوردار برابر با ۵.۰۱ می‌باشد که نشان از میزان متوسط بی تفاوتی دارد. این مقدار در منطقه غیربرخوردار برابر با ۵.۱۲ و در منطقه نیمه‌برخوردار برابر با ۵.۴۶ است، از همین رو می‌توان گفت منطقه نیمه‌برخوردار ما دارای بیشترین حد بی تفاوتی اجتماعی رفتاری است.

جدول ۵. توزیع بی تفاوتی رفتاری به تفکیک مناطق

آماره‌ها			مراتب					بی تفاوتی رفتاری
منطقه	خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میان	انحراف معیار
کل	2.9	27.1	31.7	27.5	10.8	5.25	4.87	2.05
3	3.8	29.1	29.1	29.1	8.9	5.01	5.03	2.11
11	4	20	33.3	28	14.7	5.64	5.35	2.11
18	1.2	31.4	32.6	25.6	9.3	5.12	4.65	1.92

در خصوص گویه‌های مولفه درگیری همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود؛ باید گفت که بیشترین میزان درگیری متعلق به رفع مشکلات خانوادگی اعضای فامیل و سپس رفع مشکلات خانوادگی دوستان و آشنایان است که نشان‌دهنده این امر است که هرچه مشکل پیش آمده برای افراد آشناتر و همچنین جنس مسئله از نوعی باشد که فرد توانایی کنترل آن را بیشتر داشته باشد و سهم عوامل تاثیرگذار بر آن در دسترس فرد باشد، وی بیشتر دست به اقدام خواهد زد. کمک برای رفع مشکلات خانوادگی اعضای فامیل،

کمک به رفع مشکلات خانوادگی دوستان و آشنایان، کمک به افراد بیمار و در نهایت کمک به فردی که دچار سانحه تصادف شده باشد و با اتومبیل تصادف کرده باشد، در اولویت افراد برای کمک رسانی قرار دارد. پایین ترین سطح درگیری متعلق به حمایت از کودکان کار در درگیری های خیابانی است.

جدول ۶. توزیع مراتب و آماره های گویه ی بی تفاوتی رفتاری-درگیری

ردیف	گویه ها	تعداد پاسخگویان	مراتب					آماره ها	
			خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف میانه معیار
۱	رفع مشکلات خانوادگی اعضای فامیل	۲۴۰	۲.۵	۹.۶	۳۷.۵	۳۷.۹	۱۲.۵	۳.۴۸	۰.۹۱
۲	رفع مشکلات خانوادگی دوستان و آشنایان	۲۴۰	۱.۳	۱۲.۵	۴۳.۳	۳۰.۸	۱۲.۱	۳.۴	۰.۹۰
۳	اقدام برای کمک به دوستان و فامیل برای رفع مشکلات تحصیلی خود یا فرزندان شان	۲۴۰	۵	۱۶.۷	۵۰	۲۳.۸	۴.۶	۳.۰۶	۰.۸۸
۴	اقدام برای کمک به دوستان و آشنایان برای رفع مشکلات شغلی-حرفه ای شان	۲۴۰	۴.۶	۱۵.۱	۵۵.۶	۲۰.۵	۴.۲	۳.۰۴	۰.۸۴
۵	جلوگیری از ادامه درگیری لفظی و یا فیزیکی بین دو نفر	۲۴۰	۸.۸	۲۰.۸	۳۷.۱	۲۳.۳	۱۰	۳.۰۵	۱.۰۹
۶	حمایت از کودکان کار در درگیری های خیابانی	۲۳۹	۱۴.۶	۲۶.۴	۳۸.۹	۱۶.۳	۳.۸	۲.۶۸	۱.۰۳
۷	برخورد با فروشندگانی که کم-فروشی یا گران فروشی می کند	۲۴۰	۹.۶	۲۲.۹	۳۷.۱	۲۵.۴	۵	۲.۹۳	۱.۰۳
۸	وقتی فرد بیماری را در خیابان می بینید	۲۳۷	۴.۶	۱۴.۸	۳۶.۷	۳۲.۹	۱۱	۳.۳	۱.۰۰
۹	کمک به راننده ای که در خیابان تصادف کرده است	۲۳۷	۷.۶	۲۲.۴	۳۸	۲۶.۲	۵.۹	۳	۱.۰۱

۱۰	کمک به فردی که با اتومبیل تصادف کرده است	۲۳۵	۶.۴	۲۰.۴	۳۷	۲۶.۸	۹.۴	۳.۱۲	۳	۱.۰۴
----	--	-----	-----	------	----	------	-----	------	---	------

در خصوص مشارکت اجتماعی، مدنی و نهادی، همان طور که در جدول ۷ دیده می شود، از میان پاسخگویان ۲۵.۵ درصد عضو هیئت مدیره ساختمان، ۱۴.۲ درصد فعالیت های محلی و تعاونی های محله، ۲۶.۸ درصد در انجمن های فرهنگی و هنری و علمی، ۲۲.۶ درصد در سازمان ها و موسسه های خیریه، ۳۸.۹ درصد در موسسه ها و گروه های ورزشی، ۳۴.۳ درصد در هیات ها و انجمن های مذهبی و مساجد، ۵ درصد در احزاب و گروه های سیاسی، ۱۳.۱ درصد در انجمن های اولیاء و مربیان، ۱۴.۳ درصد در تشکل های دانشجویی و دانش آموزی و در نهایت ۱۰.۵ درصد در بسیج محلات، دانشگاه ها، مدرسه ها و یا محل کار خود عضویت داشته اند.

جدول ۷. توزیع مراتب و آماره های گویه ی بی تفاوتی رفتاری-مشارکت (فعالیت)

ردیف	گویه ها	تعداد پاسخگویان	مراتب		آماره ها	
			دارد	ندارد	میانگین	انحراف معیار
۱	هیئت مدیره ساختمان	۲۳۹	۲۵.۵	۷۴.۵	۰.۲۵	۰.۴۳
۲	عضو شورای محله	۲۳۹	۷.۵	۹۲.۵	۰.۰۷۵	۰.۲۶
۳	مشارکت در جشن ها، بازارچه های محلی و یا تعاونی محله	۲۳۹	۱۴.۲	۸۵.۴	۰.۱۴	۰.۳۵
۴	انجمن های فرهنگی و هنری، علمی، تخصصی	۲۳۹	۲۶.۸	۷۳.۲	۰.۲۶	۰.۴۴
۵	انجمن های حرفه ای- شغلی مثل شوراهای صنفی	۲۳۷	۱۳.۱	۸۶.۹	۰.۱۳	۰.۳۳
۶	سازمان های خیریه نظیر: انجمن های کودکان و سالمندان و...	۲۳۹	۲۲.۶	۷۷.۴	۰.۲۲	۰.۴۱۹
۷	موسسات و گروه های ورزشی	۲۳۹	۳۸.۹	۶۱.۱	۰.۳۸	۰.۴۸
۸	انجمن های مذهبی، مساجد و هیئت ها	۲۳۹	۳۴.۳	۶۵.۷	۰.۳۴	۰.۴۷
۹	گروه ها، سازمان ها و احزاب سیاسی	۲۳۸	۵	۹۵	۰.۰۵	۰.۲۱
۱۰	انجمن های اولیاء و مربیان	۲۳۷	۱۳.۱	۸۶.۹	۰.۱۳	۰.۳۳
۱۱	تشکل های دانشجویی-دانش آموزی	۲۳۸	۱۴.۳	۸۵.۷	۰.۱۴	۰.۳۵
۱۲	بسیج(محله، دانشگاه، مدرسه، اداره)	۲۳۷	۱۰.۵	۸۹.۵	۰.۱۰	۰.۳۰

حضور در انتخابات رسمی کشور که به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود، یکی از موارد مشارکت سیاسی عمومی است. باتوجه به نتایج در انتخابات مجلس شورای اسلامی که در اسفند سال ۱۳۹۴ برگزار شده بود، ۶۹.۳ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند در آن حضور داشتند. همچنین بنابر اظهار پاسخگویان، در انتخابات مجلس خبرگان که هم‌زمان با آن برگزار شده بود، ۶۰.۲ درصد شرکت کرده‌اند. در انتخابات شوراهای شهر ۱۳۹۲، ۵۵.۶ درصد افراد پاسخگو شرکت داشته و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، ۷۱.۱ درصد پاسخگویان اعلام حضور کرده‌اند. میانگین کل رای‌دهی ۶۱.۸ یعنی عددی بیش از حد متوسط است که نشانه میزان رای‌دهی بالا است. بالاترین میانگین مشارکت انتخاباتی مربوط به منطقه ۱۸ و پایین‌ترین آن مربوط به منطقه ۱۱ است. با این حال، مقادیر انحراف معیار که نشانگر پراکندگی بین پاسخگویان است، بسیار بالا و حاکی از تفاوت‌های زیاد در مشارکت انتخاباتی بین جامعه آماری است. در جدول ۸ شرح این مورد مشاهده می‌شود:

جدول ۸- توزیع مراتب و آماره‌های گویه‌های مشارکت انتخاباتی

ردیف	گویه‌ها	تعداد پاسخگویان	مراتب		آماره‌ها	
			بله	خیر	میانگین	انحراف معیار
۱	مجلس شورای اسلامی	۲۳۸	۶۹.۳	۳۰.۷	۰.۶۹	۰.۴۶
۲	شوراهای شهر	۲۲۵	۵۵.۶	۴۴.۴	۰.۵۵	۰.۴۹
۳	مجلس خبرگان	۲۳۱	۶۰.۲	۳۹.۸	۰.۶	۰.۴۹
۴	ریاست جمهوری	۲۳۲	۷۱.۱	۲۸.۹	۰.۷۱	۰.۴۵

۲-۲-۱-۴. بعد بی تفاوتی عاطفی

در این مطالعه، متغیر بی تفاوتی عاطفی در دو بعد «بی‌معنایی» و «بی‌قدرتی» مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین بی تفاوتی عاطفی برابر است با ۴.۰۶، که نشان از آن دارد که این نوع از بی تفاوتی در حد پایین‌تر از حد متوسط است. از سوی دیگر، انحراف معیار ۱.۶۵ نیز نشان از آن دارد که پراکندگی داده‌ها حول میانگین در سطح نسبتاً پایینی است. میانگین بی تفاوتی اجتماعی با پایین آمدن سطح پایگاه منطقه اجتماعی-اقتصادی کاهش می‌یابد، یعنی هرچه به سمت مناطق بالاتر روانه می‌شویم، بر میزان بی تفاوتی عاطفی افزوده می‌شود.

جدول ۹. توزیع بی تفاوتی عاطفی به تفکیک مناطق

بی تفاوتی عاطفی	مراتب							آماره‌ها
	خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میانه	انحراف معیار
کل	9.2	42.5	34.6	12.1	1.7	4.06	3.8	1.65

1.81	4.24	4.4	0	26.6	30.4	35.4	7.6	3
1.68	3.84	4.12	4	9.3	34.7	44	8	11
1.39	3.81	3.69	1.2	1.2	38.4	47.7	11.6	18

در سنجش بعد بی معنایی بی تفاوتی عاطفی، همان طور که در جدول ۱۰، مشاهده می شود؛ گویه های داشتن هدف در زندگی، اطمینان به درست بودن کاری که انجام می دهند و اطمینان به انتخاب راه حل درست برای حل مشکلات به ترتیب با داشتن میانگین ۳.۷۸، ۳.۶۱ و ۳.۴۷ در بالاتر از حد متوسط معناداری (در فاصله ۱ تا ۵ تعریف شده برای گویه ها) قرار می گیرند. در مورد گویه "اینکه ادامه دادن و یا ندادن زندگی تفاوتی باهم ندارد"، میانگین ۲.۰۵ در حد زیر متوسط معناداری زندگی قرار می گیرد. از همین رو باید گفت که افراد به طور معمول میدانند که چه کاری برای انجام دادن درست است و نسبت به تصمیماتی که اتخاذ میکنند، بیش از حد متوسط اطمینان دارند. در ارزیابی کلی بی معنایی، نتایج حاکی از آن است که میانگین بی معنایی در جامعه برابر است با ۴.۲۴ که نشان دهنده میزان پایین تر از حد وسط داده ها در مقیاس ۰ تا ۱۰ است.

جدول ۱۰. توزیع مراتب و آماره های گویه های بی تفاوتی عاطفی-بی معنایی

ردیف	گویه ها	تعداد پاسخگویان	مراتب					آماره ها	
			کاملاً مخالف	مخالف	تاحدی	موافق	کاملاً موافق	میانگین	میان انحراف معیار
۱	معمولاً از درست بودن کاری که انجام می دهم مطمئنم	۲۴۰	۱.۳	۲.۹	۳۹.۲	۴۶.۳	۱۰.۴	۳.۶۱	۰.۷۶
۲	معمولاً در زندگی انگیزه کافی برای موفقیت ندارم	۲۴۰	۱۹.۶	۴۵.۸	۱۹.۲	۱۳.۳	۲.۱	۲.۳۲	۱
۳	در زندگی برای خودم هدف مشخصی دارم	۲۴۰	۰.۴	۷.۱	۲۷.۹	۴۲.۹	۲۱.۷	۳.۷۸	۰.۸۷
۴	زندگی برای من بی معناست	۲۴۰	۳۰.۸	۴۵.۸	۱۳.۸	۸.۳	۱.۳	۲.۰۳	۰.۹۴
۵	معمولاً می دانم برای حل مشکلاتم چه راه حلی را انتخاب کنم	۲۴۰	۰.۴	۷.۱	۴۷.۱	۳۵	۱۰.۴	۳.۴۷	۰.۷۹
۶	ادامه دادن یا ندادن زندگی، فرق خاصی ندارد	۲۳۹	۲۸.۹	۴۵.۲	۱۷.۶	۷.۹	۰.۴	۲.۰۵	۰.۹

۷	معمولا در تصمیمات خانوادگی بی‌نظر هستم	۲۴۰	۱۹.۲	۴۶.۳	۲۰.۴	۱۰.۴	۳.۸	۲.۳۳	۲	۱.۰۲
۸	من راه و روش زندگی در جامعه را خوب می‌دانم	۲۴۰	۲.۹	۸.۸	۵۲.۱	۳۰.۴	۵.۸	۳.۲۷	۳	۰.۸۱

در بعد بی‌قدرتی همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، برآورد افراد را نسبت به عدم توانایی در برابر تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی یا عدم کنترل محیط را که به مثابه یک کشنگر اجتماعی را محاسبه کرده‌ایم. میانگین نظرات پاسخگویان به گویه "فکر میکنم هرآنچه را که برایش تصمیم می‌گیرم، میتوانم بدست آورم"، برابر با ۳.۴۸ است که نشان می‌دهد افراد در سطحی بالاتری از حد متوسط معتقدند که توانایی کسب آنچه را تصمیم گرفته‌اند، دارند. باتوجه به میانگین ۳.۵ در گویه احساس اثرگذاری بر زندگی اطرافیان، پاسخگویان معتقدند که تا حد بسیار خوبی بر زندگی اطرافیان اثرگذار بوده‌اند. میانگین توانایی نفع رساندن به جامعه (۳.۵۴) نیز گویای آن است که افراد خود را کنشگرانی موثر قلمداد می‌کنند. همچنین میانگین ۳.۳۳ میزان اطمینان از کنترل کردن محیط اطراف در بین کنشگران بالاتر از حد متوسط قرار دارد. احساس بی‌قدرتی در میان جامعه‌آماري نسبتاً اندک است. در واقع، اعضای جامعه در حد مطلوبی از احساس قدرت را دارند و خودشان را افرادی موثر قلمداد می‌کنند. در خصوص مقایسه منطقه‌ای باید گفت که هرچه بر میزان پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد افزوده می‌شود، بر احساس بی‌قدرتیشان نیز افزوده می‌شود. این درحالی است که باتوجه به نظریات انتظار داشته‌ایم که در اثر کاهش پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد، باید بر میزان بی‌قدرتی افزوده شود؛ اما نتایج حاکی از عکس این موضوع است. در همین راستا، میتوان گفت که شاید یکی از دلایل این باشد که پاسخگویان حیطه اثرگذاری خود را در محدوده‌های متفاوتی در نظر می‌گیرند. برای مثال، ممکن است ساکنین مناطق برخوردار به دنبال اثرگذاری‌هایی در سطوح کلان‌تر و بردی بیشتر باشند، در حالیکه افراد در مناطق غیربرخوردار میزان انتظار خود برای اثرگذاری را در سطوح محدودتری مد نظر قرار میدهند.

جدول ۱۱. توزیع مراتب و آماره‌های گویه‌های بی‌تفاوتی عاطفی-بی‌قدرتی

گویه‌ها	تعداد پاسخگویان	مراتب						آماره‌ها	
		کاملاً مخالف	مخالف	تاحدی	موافق	کاملاً موافق	میانگین	میان	انحراف معیار
فکر می‌کنم هرآنچه را که برایش تصمیم می‌گیرم می‌توانم بدست آورم	۲۳۹	۱.۳	۱۰.۹	۴۰.۲	۳۳.۵	۱۴.۲	۳.۴۸	۳	۰.۹۱
تصمیمات و نظراتم در گذشته بر زندگی اطرافیانم خیلی موثر بوده‌است	۲۴۰	۳.۳	۵.۸	۴۰.۸	۳۶.۷	۱۳.۳	۳.۵	۳.۵	۰.۹۱

آدمی مثل من هیچ کار مهمی نمی تواند انجام دهد	۲۴۰	۳۵.۸	۳۶.۲	۲۱.۲	۵	۱.۷	۲.۰۰	۲	۰.۹۶
فعالیت هایی که من انجام می - دهم هیچ تاثیری در زندگی دیگران ندارد	۲۴۰	۲۱.۷	۳۴.۲	۳۵	۶.۷	۲.۵	۲.۳۴	۲	۰.۹۷
اغلب احساس می کنم که می توانم محیط خود را کنترل نمایم	۲۳۸	۱.۷	۷.۶	۵۲.۹	۳۱.۱	۶.۷	۳.۳۳	۳	۰.۷۸
من توانایی نفع رساندن به جامعه را دارم	۲۳۸	۴.۲	۸	۳۳.۲	۳۸.۲	۱۶.۴	۳.۵۴	۴	۰.۹۹

۲-۴. بررسی روابط متغیر مستقل با متغیر وابسته

در این بخش روابط میان بی تفاوتی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته با خصوصیات موثر به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. برای سنجش متغیرهای سن، درآمد، هزینه، مدت اقامت در شهر تهران و همچنین در محله افراد که در سطح سنجش فاصله ای هستند از R پیرسون و برای متغیر جنسیت که متغیر اسمی دو حالت است، از t-test و برای وضعیت تأهل، پایگاه شغلی، وضع فعالیت و محل تولد که دارای چندین طبقه هستند، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است. یافته ها نیز بر اساس نوع آزمون ها، به ترتیب گزارش شده اند، نتایج حاکی از آن است که:

- ✓ رابطه ی بی تفاوتی اجتماعی و جنس تایید نشده و می توان گفت که جنس تاثیری بر بی تفاوتی اجتماعی نمی گذارد.
- ✓ رابطه ی سن و بی تفاوتی اجتماعی تایید نشد. یعنی با افزایش سن، تغییری در وضعیت بی تفاوتی اجتماعی رخ نمی دهد.
- ✓ رابطه ی بی تفاوتی اجتماعی و تحصیلات تایید و معنادار و منفی است. یعنی با افزایش تحصیلات از بی تفاوتی اجتماعی کاسته خواهد شد.
- ✓ رابطه ی بین بی تفاوتی اجتماعی و محل تولد وجود دارد، یعنی اگر فرد متولد شهرهای بزرگ باشد بی تفاوتی بیشتری را نسبت به متولدین شهرستان ها و روستاها تجربه می کند.
- ✓ مدت اقامت در تهران متولدین غیر تهرانی بر بی تفاوتی اجتماعی تاثیرگذار است. مثبت بودن این رابطه نیز به این معنا است که هرچه مدت اقامت در شهر تهران بیشتر باشد، بی تفاوتی اجتماعی نیز افزایش می یابد.
- ✓ رابطه ی بی تفاوتی اجتماعی و مدت اقامت در محله تایید شد و منفی بودن این رابطه نیز به این معنا است که هرچه مدت اقامت در محله بیشتر باشد، بی تفاوتی اجتماعی کاهش می یابد. با توجه به آنکه مقدار I برابر با ۰/۳۲۲ است، شدت این رابطه در سطح قوی است. یعنی با افزایش ثبات محلی از میزان بی تفاوتی اجتماعی افراد ساکن در محلات تهران کم خواهد شد.
- ✓ رابطه ی بی تفاوتی اجتماعی و وضع فعالیت تایید نشد، یعنی وضع فعال بودن و نوع فعالیت تاثیری بر بی تفاوتی اجتماعی ندارد.
- ✓ رابطه ی بی تفاوتی اجتماعی و وضعیت تاهل اختلاف معنادار ندارد و بین این دو رابطه وجود ندارد.
- ✓ رابطه ی بی تفاوتی اجتماعی و هزینه رد شد. از این رو میزان هزینه کرد اثری بر بی تفاوتی اجتماعی افراد در جامعه ندارد.
- ✓ رابطه ی بی تفاوتی اجتماعی و درآمد با ۹۹ درصد اطمینان تایید شد. مثبت بودن این رابطه نیز به این معنا است که هرچه بر میزان درآمد افزوده شود، بی تفاوتی اجتماعی نیز افزایش می یابد.

در ادامه نتایج آزمون‌های مذکور مرتبط گزارش می‌شود:

جدول ۱۲. ضرایب همبستگی پیرسون میان خصوصیات موثر (فاصله‌ای) با بی تفاوتی اجتماعی

متغیر مستقل	سن	تحصیلات	درآمد	هزینه	مدت اقامت در تهران	مدت اقامت در محله
آماره						
ضریب همبستگی (r)	0.045	-0.278	+0.241	0.062	+0.197	-0.322
(Sig.)	0.421	0.000	0.001	0.390	0.006	0.000

جدول ۱۳. مقایسه میانگین بی تفاوتی اجتماعی بر حسب خصوصیات موثر (اسمی) بر حسب آزمون T و F

متغیر مستقل	جنسیت (زن/مرد)	وضعیت تأهل	وضع فعالیت	محل تولد
آماره				
(Sig.)	0.125	0.381	0.226	+0.041
نتیجه آزمون	رد رابطه	رد رابطه	رد رابطه	تأیید رابطه
نوع آزمون	t مستقل	F	F	F

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بی‌تفاوتی اجتماعی در شهر تهران در سطح پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد، اما ابعاد آن ناهمگون‌اند؛ بی‌تفاوتی رفتاری (کاهش مشارکت و درگیری اجتماعی) در سطحی بالاتر و بی‌تفاوتی عاطفی (احساس بی‌قدرتی و بی‌معنایی) در سطحی پایین‌تر قرار دارد. این تمایز، نشانگر نوعی شکاف میان شناخت و احساس کنشگری فردی از یک‌سو و مشارکت اجتماعی جمعی از سوی دیگر است. افراد زندگی را معنادار می‌دانند و تا حدی احساس اثرگذاری دارند، اما این احساس به عرصه عمومی و کنش اجتماعی جمعی تعمیم نمی‌یابد. به بیان دیگر، شهروند تهرانی در سطح روانی و فردی فعال است اما در سطح ساختار اجتماعی دچار «انفعال کنشی» است. میتوان اینگونه عنوان کرد که معناداری زندگی و همچنین احساس اثربخشی برای افراد در سطح فردی یا در جمع محدودی از اعضای خانواده، همکاران یا دوستان تعریف می‌شود، چرا که بعد عاطفی بی‌تفاوتی بر برداشت فرد از میزان قدرت خود تأکید دارد، در حالی که در بعد رفتاری بی‌تفاوتی تکیه بر مشارکت و حضور اجتماعی و نیازمند کنش اجتماعی فرد در سطح عمومی است؛ آن‌جایی که خود را در معرض انتخاب میان خواسته‌ها، میل و علاقه خود با علایق و ترجیحات جامعه قرار می‌دهد. از همین‌رو می‌توان گفت که افراد جامعه نسبت به وقایع عمومی که در اطرافشان رخ میدهد در حالت کرختی به سر می‌برند، چنان که میزان بالای پاسخ‌ها به درگیری که موید سنجش برخورد و کنش اجتماعی آنی افراد بود، در حد متوسط بیشترین تجمع را دارد و این امر در مقادیر میانه نیز خود را نشان میدهد. از سویی بنابر نتایج پژوهش افراد برای حل مسائل افراد نزدیک به خود مانند اعضای خانواده زودتر و با کیفیت بالاتری آمادگی دارند و وارد میدان می‌شوند.

از منظر نظری، این نتیجه را می‌توان بر اساس سه چارچوب اصلی مطالعه تبیین کرد:

نخست، در چارچوب نظریه‌ی بیگانگی سیمن (۱۹۵۹)، بی‌تفاوتی جلوه‌ای از تجربه‌ی بی‌قدرتی، بی‌معنایی و انزوا در ساختارهای مدرن است. یافته‌های تحقیق نشان داد که هرچند احساس بی‌قدرتی در سطح فردی چندان بالا نیست، اما در عرصه‌ی روابط اجتماعی و مشارکت مدنی، کنشگران احساس بی‌اثری و عدم تأثیرگذاری دارند. به بیان دیگر، کنشگر تهرانی در ساختار شهری احساس می‌کند حضور یا غیبتش تفاوتی در نتایج اجتماعی ایجاد نمی‌کند و همین تجربه، به شکل بی‌تفاوتی رفتاری بروز می‌یابد. این یافته، از نظر تحلیلی تأییدی بر بعد رفتاری بیگانگی سیمن است.

دوم، بر اساس نظریه‌ی اثربخشی اجتماعی ساتول (۲۰۰۳)، کاهش ادراک اثربخشی در فرآیندهای جمعی، افراد را به سمت انفعال و کناره‌گیری سوق می‌دهد. داده‌های پژوهش نشان دادند که در حالی که افراد در روابط نزدیک خود احساس اثرگذاری دارند، این احساس در سطوح کلان اجتماعی از بین می‌رود. بنابراین، می‌توان گفت که در ساختار اجتماعی تهران، تجربه‌ی «اثربخشی خرد» جایگزین «اثربخشی کلان» شده است؛ به گونه‌ای که افراد توانایی کنش در خانواده و حلقه‌های نزدیک را حفظ کرده‌اند، اما نسبت به ساختارهای اجتماعی و نهادی، بی‌اعتماد و منفعل‌اند.

سوم، در پرتو نظریه‌ی قابلیت‌های آماریاسن (۱۹۹۲)، می‌توان بی‌تفاوتی اجتماعی را نوعی «فقر قابلیت» دانست. سن تأکید می‌کند که نابرابری در آزادی‌های واقعی برای کنش، حتی در میان افرادی با منابع مادی مشابه، موجب حذف اجتماعی می‌شود. یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد که متغیرهایی مانند تحصیلات، درآمد، ثبات محله‌ای و مدت اقامت در شهر، از طریق تأثیر بر ظرفیت واقعی افراد برای مشارکت و ارتباط اجتماعی، سطح بی‌تفاوتی را شکل می‌دهند.

از نظر تطبیقی و مرور پیشینه، نتایج این تحقیق با محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰) و عنبری و غلامیان (۱۳۹۵) در میزان کلی بی‌تفاوتی هم‌خوانی دارد، اما از نظر تبیینی متفاوت است. آن پژوهش‌ها، بی‌تفاوتی را بیشتر تابع متغیرهایی چون اعتماد اجتماعی یا رضایت از نظام اجتماعی دانسته‌اند، در حالی که این تحقیق نشان داد قابلیت‌های ساختاری کنشگری (آموزش، ثبات اجتماعی و فرصت مشارکت) نقش تعیین‌کننده‌تری دارند. بدین ترتیب، مطالعه حاضر بی‌تفاوتی را نه صرفاً پیامد نگرشی، بلکه محصول نابرابری در «امکان

کنش» می‌داند. همچنین، با یافته‌های موسوی و احمدی (۲۰۲۲) که میزان بی‌تفاوتی دانشجویان را در حدی کمی بالاتر از متوسط گزارش کردند هم‌سو است، اما در این پژوهش برخلاف آنها، اثر درآمد و پایگاه اقتصادی بر افزایش بی‌تفاوتی تأیید شد. این تفاوت را می‌توان ناشی از تفاوت گروه اجتماعی نمونه دانست؛ در شهر تهران، طبقات متوسط و بالا بیشتر درگیر «فردگرایی رقابتی» اند و کنش جمعی را بی‌ثمر تلقی می‌کنند حال آن‌که در بین دانشجویان این موضوع در کم و کیف متفاوتی است.

در جمع‌بندی کل با توجه به یافته‌های آماری این پژوهش می‌توان گفت که بی‌تفاوتی اجتماعی در تهران بیش از آنکه تابع ویژگی‌های زیستی یا فردی مانند جنس، سن یا وضعیت تأهل باشد، متأثر از متغیرهای اجتماعی و ساختاری است که به فرصت‌ها و قابلیت‌های مشارکت اجتماعی شکل می‌دهند. فقدان رابطه میان جنس و بی‌تفاوتی نشان می‌دهد که زنان و مردان تهرانی، صرف‌نظر از نقش‌های جنسیتی‌شان، در مواجهه با شرایط ساختاری مشابه، الگوهای یکسانی از کنش و واکنش اجتماعی بروز می‌دهند. همچنین، عدم رابطه میان سن و بی‌تفاوتی می‌تواند نشانه‌ای از هم‌تأثیری تجربه‌ی زیسته‌ی مشترک شهرنشینی باشد که مرزهای نسلی را در واکنش به مسائل عمومی کمرنگ کرده است. در مقابل، متغیرهایی چون تحصیلات، محل تولد، مدت اقامت و درآمد در تبیین سطوح بی‌تفاوتی نقش برجسته‌تری دارند. یافته‌ها نشان دادند که تحصیلات بالا با کاهش بی‌تفاوتی همراه است، چراکه افزایش سطح دانش و آگاهی موجب ارتقای حساسیت نسبت به امور عمومی و تقویت احساس مسئولیت اجتماعی می‌شود. باین‌حال، مثبت بودن رابطه‌ی درآمد با بی‌تفاوتی حاکی از آن است که افزایش توان اقتصادی الزاماً به افزایش حساسیت نسبت به اجتماع منجر نمی‌شود؛ بلکه در بستر کلانشهری چون تهران، می‌تواند به تقویت فردگرایی و کاهش احساس هم‌سرنوشتی اجتماعی بینجامد. از سوی دیگر، محل تولد و سابقه‌ی اقامت نشان دادند که بی‌تفاوتی در میان متولدین شهرهای بزرگ و افرادی که مدت بیشتری در تهران زیسته‌اند بالاتر است، در حالی که ثبات محله‌ای و پیوندهای محلی می‌تواند عاملی برای کاهش این احساس باشند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که بی‌تفاوتی اجتماعی در تهران بیشتر محصول فقدان پیوندهای اجتماعی پایدار و تجربه‌ی زیست شهری مبتنی بر فاصله و فردگرایی است تا تفاوت‌های فردی یا زیستی و هرچه افراد در ساختارهای رقابتی‌تر و فردگرایانه‌تر شهری تثبیت می‌شوند، میزان هم‌بختی، تعلق و حساسیت جمعی آنان کاهش می‌یابد (نمونه آن‌که درآمد بالاتر و مدت اقامت بالاتر در شهر تهران منجر به افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شود چراکه افراد در این ساختار فردگرا تثبیت می‌شوند).

بنابراین، برآیند این پژوهش تأیید می‌کند که بی‌تفاوتی اجتماعی در تهران نه نتیجه‌ی ضعف اخلاقی یا روانی افراد، بلکه پیامد نابرابری‌های قابلیت‌ی و ویژگی‌های ساختاری در امکان مشارکت اجتماعی است. شهروندان تهرانی در نظامی از روابط شهری زندگی می‌کنند که در آن فرصت‌های واقعی برای اثرگذاری جمعی، محدود و نابرابر توزیع شده است و از طرفی ساختار رقابتی و فردگرا نیز، شهروندان را به جای توجه به هم‌بختی به توجه به زندگی فردی سوق می‌دهد. این یافته، وجه تمایز بنیادین پژوهش حاضر با مطالعات پیشین است؛ زیرا بی‌تفاوتی را به مثابه بازتاب نابرابری اجتماعی و ناشی از ساختار رقابتی و فردگرا در سطح کنش و معنا تحلیل می‌کند.

از منظر سیاستی، این نتایج بیانگر آن است که مقابله با بی‌تفاوتی اجتماعی نیازمند سیاست‌هایی در جهت افزایش قابلیت‌های اجتماعی شهروندان است، نه صرفاً تشویق به مشارکت ظاهری. تقویت آموزش عمومی، ایجاد فرصت‌های برابر برای حضور محلی، بازسازی اعتماد نهادی و ایجاد فضاهای واقعی گفت‌وگو می‌تواند زمینه‌ی تبدیل «احساس اثربخشی فردی» به «کنش جمعی مؤثر» را فراهم کند. تنها در چنین شرایطی، شهر از وضعیت «انبوه تنهاها»ی رایزن به جامعه‌ای متکی بر پیوندهای انسانی و مسئولیت اجتماعی گذر خواهد کرد. از همین‌رو است که اهمیت تأثیر سیاست‌گذاری عمومی بر ارتقای برخی از این منابع کلیدی می‌شود؛ یعنی گرچه سیاست‌گذار امکانی برای گوناگونی‌های غیرفعال یا غیر قابل کنترل، مانند سن، جنس یا ناتوانی‌های جسمی، ندارد و خارج از کنترل فرد و سیاست‌گذار است؛ اما گوناگونی‌های فعال یا قابل تغییر مانند آموزش، درآمد، اشتغال، ثبات محله‌ای و کیفیت روابط اجتماعی از طریق سیاست‌های عمومی و کنش جمعی قابل تغییرند. بنابراین تأثیرپذیری بی‌تفاوتی اجتماعی از گوناگونی‌های متفاوت بسیار کلیدی است چراکه عطف به این رویکرد، سرمایه‌گذاری بر روی ارتقای گوناگونی‌های فعال می‌تواند باعث ارتقای قابلیت‌های کنشگری شود

و در همین راستا می‌توان احتمال بروز بی‌تفاوتی اجتماعی را کاهش برآورد کرد. این موضوعی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است؛ مثلاً موردی مانند تحصیلات که در دسته گوناگونی‌های فعال قرار می‌گیرد، اهمیتی اساسی در این زمینه دارد.

فهرست منابع فارسی:

- ✓ آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۲). ایران بین دو انقلاب. نشر مرکز. تهران.
- ✓ آرسون، الیوت (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسن شکرکن. انتشارات رشد، جوانه رشد، نشر مرکز.
- ✓ بهشتی، سید صمد، نراقی منش، مسلم، عسکری، ابوالقاسم، پیشرو نصرآباد سفلی، نظر، پورصدیقی، شجاعت (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی، نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۸، صص: ۶۹-۱۰۶
- ✓ پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم، ۱۳۹۵). دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ✓ پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج چهارم، ۱۴۰۲). دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ✓ توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در جامعه شرایط آنومیک (رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ✓ دواس، دی. ای (۲۰۰۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی، ۱۴۰۱. نشر نی، تهران.
- ✓ رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. سروش، تهران.
- ✓ روشه، گی (۱۳۸۰). کنش اجتماعی (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی). ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ ۴، فرهنگ و اندیشه، تهران.
- ✓ ریتزر، جورج (۱۳۸۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- ✓ سن، آمارتیا (۱۴۰۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ✓ عنبری، موسی، غلامیان، سارا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی. بررسی مسایل اجتماعی/ایران (نامه علوم اجتماعی)، ۷(۲)، ۱۵۹-۱۳۳.
- ✓ فرجی، سید جلال‌الدین، ضحیمی، نیلوفر (۱۴۰۳). واکاوی بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان نسبت به خط‌مشی‌های شورای اسلامی شهر تهران، مطالعه موردی منطقه یک شهر تهران، شهریار، ۸(۱)، ۳۵-۱۷.
- ✓ کاشی، غلامرضا (۱۳۷۶). تئوری توطئه یا فرآیندهای پنهان سیاسی، تاریخ معاصر/ایران، شماره ۳، ۹-۲۴.
- ✓ کرایب، یان (۱۳۷۸). نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی از پارسونز تا هابرماس. ترجمه محبوبه مهاجر، نشر سروش، تهران.
- ✓ مرکز ملی رصد اجتماعی کشور، سنجش سرمایه اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.
- ✓ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی-سیاسی، نامه پژوهش، شماره ۱.
- ✓ محسنی تبریزی، علیرضا، صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰). پژوهش درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۳)، صص: ۱-۲۲.
- ✓ مرادی، علی، صفاریان، محسن (۱۳۹۸). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی‌تفاوتی: مورد مطالعه شهر کرمانشاه، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال هشتم، شماره اول، صص: ۱۵۹-۱۸۹.
- ✓ مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی-سیاسی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۷-۱۶۸، صص: ۱۶۵-۱۵۲.
- ✓ پایگاه خبر آنالین، ۳ تیر ۱۴۰۰. خبر با عنوان «نگاهی به درصد مشارکت در ۱۳ دوره انتخابات ریاست جمهوری».
- ✓ پایگاه خبری شرق، ۱۶ تیر ۱۴۰۳. خبر با عنوان «درصد مشارکت در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳».

References

- ✓ Abrahamian, E. (2003). Iran between two revolutions. Markaz Press. (in Persian)
- ✓ Anbari, M., & Gholamian, S. (2016). Sociological explanation of the factors associated with Social apathy . *Iranian Journal of Social Problems*, 7(2), 133–159. (in Persian)
- ✓ Anderson, E. (2008). Inequality Reexamined, Sen Amartya. Harvard University Press, 1992, 207 + xiv pages. *Economics and Philosophy*, 11(01):182-189
- ✓ Beheshti, S. S., Naraqi-Manesh, M., Askari, A., Pishro Nasrabad-e Sofla, N., & Poursediqi, Sh. (2024). A Sociological Explanation of the Impact of Virtual Space on Social Apathy. *Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad*, 21(2), 69–106. (in Persian)
- ✓ De Vaus, D. A. (2002). Surveys in social research (H. Naeibi, 2023). Ney Press. (in Persian)
- ✓ Douglas, K. M., Sutton, R. M., & Cichocka, A. (2017). The Psychology of Conspiracy Theories. *Current Directions in Psychological Science*, 26(6), PP: 538-542.
- ✓ Faraji, S. J., & Zakhimi, N. (2024). Exploration of Citizen's Social Apathy to the Policies of Tehran City Council: A case study of District 1 of Tehran. *Sustainable City*, 8(1), 17–35. (in Persian)
- ✓ Gans; H. (1992). Political participation and apathy .*phylon*. vol13.
- ✓ Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2007). Social Capital as Good Culture. *NBER Working Paper* No. 13712.
- ✓ Iranian National Survey of Values and Attitudes (3rd Wave). (2016). National Surveys Office in collaboration with the National Social Observatory of Iran; Research Center for Culture, Art and Communication. (in Persian)
- ✓ Iranian National Survey of Values and Attitudes (4th Wave). (2023). National Surveys Office in collaboration with the National Social Observatory of Iran; Research Center for Culture, Art and Communication. (in Persian)
- ✓ Kashi, G. (1997). Conspiracy theory or hidden political processes. *Iranian Contemporary History*, Vol 3, PP: 9-24 (in Persian)
- ✓ Kuhumba, S. K (2022). Amartya Sen's capability approach as theoretical foundation of human development published in JSD. *Journal of Sociology and Development*, Vol. 1, No.1, PP: 127-145.
- ✓ Kraib, I. (1999). Modern sociological theories: From Parsons to Habermas (M. Mohajer, Trans.). Soroush Press. (in Persian)
- ✓ Li, G., Hampel, A., Li, Ch., H. (2023). Emotional numbing: A key construct in the assessment of mental health during COVID-19 pandemic. *Journal of Pacific Rim Psychology*, Vol 17, PP: 1–12
- ✓ Masoudnia, E. (2001). Sociological explanation of citizens' indifference in socio-political life. *Political–Economic Information*, Vol 167–168, PP: 152-165 (in Persian)
- ✓ Mohseni Tabrizi, A., & Sedaghati Fard, M. (2011). A Research in Social Apathy in IRAN (Case Research: Tehran). *Applied Sociology*, 22(3), 1–22. (in Persian)
- ✓ Mohseni Tabrizi, A. (2002). Apathy as a barrier to participation and national development: Examining the relationship between apathy and socio-political participation. *Nameh-ye Pajouhesh*, 1. (in Persian)
- ✓ Moradi, A. and Saffarian, M. (2019). The Survey of social factors related to social apathy Case study in Kermanshah. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 8(1), 158-189. (in Persian)
- ✓ Mousavi, S. K & Ahmadi Milasi, M (2022). Students' Social Apathy in Real and Virtual Worlds: A Comparative Study. *Athens Journal of Mass Media and Communications*, Volume 8, Issue 2, April 2022 – Pages 131-144
- ✓ National Social Observatory of Iran. (2015). Measurement of social capital. Institute for Culture, Art and Communication. (in Persian)
- ✓ Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Simon & Schuster, New York.

- ✓ Rafipour, F. (1999). Anomie or social disorder: A study on the anomic potential of Tehran. Soroush Publishing. (in Persian)
- ✓ Ricafranca, D. P., Celedonio, Mel Christian, Estrella, Patricia. (2022). Assessing Social Apathy Among Filipino Young Adults: Construction and Validation of the Social Apathy Test (SOCAP), The Asian Conference on Education & International Development 2022. Official Conference Proceedings.
- ✓ Ritzer, G. (2002). Contemporary sociological theory (M. Salasi, Trans.). Elmi Press. (in Persian)
- ✓ Rocher, G. (2001). Social action: An introduction to general sociology (H. Zanjani-Zadeh, Trans.; 4th ed.). Farhang & Andisheh. (in Persian)
- ✓ Sen, A. (2022). Development as freedom (V. Mahmoudi, Trans.). University of Tehran Press. (in Persian)
- ✓ Stewart, F., Deneulin, S. (2002). Amartya Sen's contribution to development thinking. 37, 61–70 (2002). <https://doi.org/10.1007/BF02686262>
- ✓ Seeman, Melvin(1959): On the Meaning of Alienation. *American Sociological Review*, Vol.24, No. 6, PP: 783-791.
- ✓ Southwell, P. L. (2003). The politics of alienation: Nonvoting and support for third-party candidates among 18–30-year-olds. *The Social Science Journal*, 40(1), 99-107.
- ✓ Tavasoli, G. (2003). Social participation in an anomic society: The relationship between social harms and social participation. University of Tehran Press. (in Persian)
- ✓ Viaznikova, L F., Osiyanova, O, M., Saltseva, S. V., Fabrikov, M, S., Belskaya, Olga N, Streltsova, A, S., Sivova, I. V., Baklanova, T I.(2019). REASONS OF STUDENT SOCIAL APATHY. *Humanities & Social Sciences Reviews*, Vol 7, No 4, 2019, PP: 1248-1254.
- ✓ Khabar Online. (2021, June 24). A review of voter turnout percentages in 13 presidential elections. (in Persian)
- ✓ Shargh News Agency. (2024, July 6). Voter turnout in the second round of the 2024 presidential election. (in Persian)